

وقت رفتن آقایان حاکم فرا رسیده است

رژیم کنونی ایران، خواستگاه ایدئولوژیک افراط گرایان و خشونت گرایان اسلامی است. و تأسیس آن از سال ۱۳۵۷ محلی بود برای گسترش و رشد اسلام گرایان تندرو، و خشونت گرا. رژیم تحت سلطه آقایان عملاً همه قوانین و اصول بین المللی را نادیده گرفتند و از حامیان اصلی ترور و خرابکاری در همه جا بودند. حکومت برای بدست آوردن مقاصد کثیف خود از این روش در سیاست های کلی خود، حمایت و پشتیبانی میکرد. برای مثال، آموزش ایدئولوژی اسلامی، تشویق و تبلیغ برای خشونت و شهادت. در بیشتر مواردی که خارج از ایران با این رویه به جلو میرفتن از افراد غیر ایرانی برای هدف خود استفاده میکردند، که هر روزه شاهد خبرهای تلخ در عراق و افغانستان و لبنان و دیگر کشورها هستیم.

مهمترین درگیری آنها در این عملیات آموزش سطح بالای تروریستی نظامی، ایدئولوژیکی و کمک های لجستیکی و مالی میباشد. از شروع به کار آقایان تا به حال آنها در پی دستیابی به سلاح های کشتار جمعی، اخلال در روند صلح، پایمال کردن حقوق اساسی شهروندان ایرانی و ترور مخالفان سیاسی در داخل و خارج کشور و حمایت و توسعه بنیادگرائی اسلامی افراطی و خشونت گرا به هدف خرابکاری در روند صلح در کشورهای میانه روی خلیج فارس و شمال آفریقا بوده اند.

مسئله مهم اینجاست که کشورهای دیگر این اجازه را به یک چنین حکومت غیر مردمی و جنایت کاری، با تسهیلات اتمی و کشتار جمعی با قابلیت های موشکی را میدهند.

حکومت آقایان از ابتدا شروع با سردادن استقلال آزادی، و حمایت از قشر مستضعفان قدرت را بدست گرفت و امروز ما شاهد یکی از سرکوبگرترین و حامی سرمایه داری در ایران هستیم. این حکومت با کشتارهای فجیع از این مردم دیگر اندیشمندان سعی در بقای حکومت دارند، در حالی که سیر نزولی اقتصاد مردم و سیر سعودی جمعیت هر روز بیشتر از گذشته می شود و این باعث شده نیمی از جمعیت ایران در فقر و بدبختی زندگی کنند، چندین میلیون نفر از این مردم بخاطر نداشتن خیلی چیزها دچار بیماری مهلک اعتیاد هستند، خیلی از متفکران و متخصصان از این مملکت فرار کردند تورم سالانه به بیش از ۲۵٪ تخمین زده میشود. درآمد سرانه با ۲۴۰۰ دلار در حد ۲۷ سال پیش میباشد، هنگامیکه بهای هر بشکه نفت خام زیر ۲۰ دلار بود و هزینه زندگی به مراتب کمتر از امروز، سطح زندگی و فاصله درآمدهای سرمایه داران که اکثراً آقایان و همراهان آنها هستند با زحمتکشان و مردم کم درآمد به مراتب افزایش بیشتری یافته است. آقایان توانسته اند با اعمال خشونت، دروغ و ریا، جنگ، فنانیسم مذهبی، رعب و وحشت و فریب کاری و رشوه و ارتشا و تحریف و سوسپید قدرت را حفظ کنند.

کارشناسان اقتصادی هزینه های سوبسیدی روی نان، مرغ، روغن، قند و شکر، مسکن، بنزین و مواد نفتی، بهره پول و غیره را که رژیم بخاطر آرام نگاه داشتن طبقه فقیر میپردازد و کمکی به اقتصاد کشور نمیکند بالغ بر میلیونها دلار در سال تخمین میزنند، که معادل نیمی از درآمد کنونی کل فروش نفت کشور است. با تمام این تفاسیل قدرت آنان امروز لرزان شده است. زیرا که مردم ایران چهره حقیقی آنان را شناخته و میدانند که اهداف واقعی آنان چیست حکومت به خوبی آگاه است که ۷۰٪ جمعیت ایران زیر ۳۰ سال است و این جوانان تشنه آزادی، حقوق بشر، آموزش بهتر، فرصتهای اقتصادی و شغلی، زندگی نوین و بهتر هستند و دولت قادر به تحقق این خواسته ها نیست. از این جهت برای انحراف تفکر مردم مرتباً با ایجاد بحران درگیر میباشد. از دید مردم آقایان و همدستانشان از نظر سیاسی و اقتصادی و اخلاقی يك باند ورشکسته به حساب میآیند. امروزه در همه جای دنیا، ماهیت و عملکرد این رژیم غیر مردمی مشخص میباشد.

مردم میدانند که رفتارندوم آنها ظاهری و تقلبی بیش نیست. هیچکس نمیتواند کاندید مقام سیاسی بشود بدون آنکه از عوامل رژیم و یا مورد تأیید حاکمیت باشد. جامعه باز و شهروندی (مدنی) وجود ندارد احزاب سیاسی متعلق به فرزندان رژیم و حامیان آنان است. وسائل ارتباط جمعی سانسور و کنترل میشود رادیو و تلویزیون متعلق به حکومت است. آزادی بیان، آزادی اجتماعات و سازمان و تشکیلات نیز تحت کنترل رژیم قرار دارد. دادگستری در کنترل و تحت فرمان آقایان بیسواد قرار دارد که خودسرانه قوانین ۱۴۰۰ سال پیش را اجرا میکنند. (سنگسار، ناقص کردن اعضای بدن، شکنجه و اعدام و.....) در چنین شرایط آسفاک آیا میتواند با این تئاتر مسخره و گاه و بیگاه انتخابات، بیانگر واقعی افکار عمومی و پیشرفت سیاسی و آزادی و دموکراسی باشد؟ این رژیم بطور مستمر حقوق و آزادیهای اساسی مردم ایران را پایمال کرده است تا به مقاصد پلید و کثیف خود که ترور و سرکوب، سرلوحه کار خود قرار داده و میدهد. ماموریت مقدس آنان ایجاد هرج و مرج و خونریزی در جهان کفار به منظور تعجیل در ظهور مهدی امام آخر شیعیان پنهان است.

ایران تحت سلطه آقایان در واقع تبدیل به مرکز پشتیبانی تروریسم بین المللی شده است. رژیم در دادگاههای آلمان، فرانسه، ترکیه، و ایالات متحده آمریکا بعنوان يك رژیم تروریستی محکوم شده است. سالهاست که رژیم از گروههای خرابکاری و تروریستی که توسط آقایان مورد استفاده قرار میگیرد هم پیمان و همدست شده است و به آنها اجازه عبور آزادانه از ایران و یا مخفی شدن در آنجا را میدهد. آنها از گروههای تروریستی گوناگونی پشتیبانی میکنند (.....) بجای آن که حامی سازنده صلح شرافتمندانه و عادلانه بین کشورها باشند، آقایان از خشونت و ترور بطور مستقیم پشتیبانی میکنند. رژیم تروریستی در ایران توانست روز به روز جسارت بیشتری پیدا کند زیرا در سالهای گذشته اختلافات و نارسائی و عدم استمرار در سیاستهای غرب نسبت به رژیم، حاکم بود و سبب شد که بیشتر به گفته های ریاکارانه و قولهای دروغین آقایان توجه کنند.

به این ترتیب، بطور کلی دموکراسی های غربی يك سیاست کوتاه بینانه را با هدفهای کوتاه مدت منافع تجاری و اقتصادی به بهای فاجعه انسانی، اقتصادی و سیاسی در دراز مدت تعقیب کردند. طی سالهای دراز در غرب سیاستمداران خوش خیال اعلام کردند در بین رهبری آقایان، میانه روئی وجود دارد و ایران در حال تجربه يك روند داخلی و تحولات است که احتمالاً منتهی به ایجاد يك دولت مسئول در برابر خواسته های مردم و در روابط بین الملل خواهد شد. مردم ایران بطور روشن میدانند که جمهوری اسلامی بی توجه به اینکه رهبری آن از سوی غرب میانه رو یا تند رو نامگذاری شود هر گونه اعتبار خود را در نزد مردم ایران از دست داده است و قدرت خود را تنها از طریق اعمال زور و خشونت و ترور حفظ میکند امروز مردم ایران دیگر هیچ امیدی به اصلاح رژیم فاسد و سرکوبگر حاکم ندارند بلکه برعکس در انتظار و آرزو و تلاش برای تغییر کامل رژیم هستند. امروز منافع دموکراسی های غربی ایجاب میکند که اتحادیه اروپا و آمریکا با یکصدا در باره ایران صحبت کنند. طبیعت فریبکارانه و جای پای خونین و کارنامه تبهکاری های آن نشانگر آن است که هرگونه توافق بویژه در زمینه مسائل اتمی، ارزش کاغذی را که بر روی آن نوشته شده نخواهد داشت.

در ایران امروز يك جنبش پرتحرک در حال توسعه و دموکراسی و حقوق بشرو پرکار زیر زمینی وجود دارد که محتاج شناسائی، تشویق و حمایت دنیای خارج است. يك حمایت برنامه ریزی شده، درست و واحد غرب برای جنبش دموکراسی و حقوق بشردرون ایران از سوی آمریکا، بریتانیا و احتمالاً فرانسه و آلمان میتواند تمام ترکیب جنبش آزادی ایران را دگرگون سازد و چه بسا که پیروزی نهائی آنرا شتاب بخشد. در این فرایند، بسیار مهم است که همیشه بخاطر آوریم که بی توجه به درجه مخالفت مردم ایران با رژیم فاسد و سرکوبگر آخوندی آنچه آنها رایکپارچه در پشت رژیم قرار خواهد داد تجاوز نظامی خارجی خواهد بود.

بنابراین بکارگیری ابزار نظامی واقعا غیر عاقلانه و فاجعه بار و سبب طول عمر و بقای رژیم ملایان و ادامه رنج مردم ایران خواهد شد. امروز برای مقابله در برابر خطر رژیم تروریستی جمهوری اسلامی برای صلح و امنیت بین المللی امکان دیگری جز حمایت از مبارزات مردم ایران برای آزادی و دموکراسی وجود ندارد. این لحظه تاریخی مذاکرات هسته ای با رژیم آقایان مقارن است با بمب ساعتی جمعیتی (دموکراتیک) که در ایران در حال رسیدن است. بیش از ۵۵ درصد جمعیت در ایران زیر ۲۰ سال است. آقایان بخوبی میدانند که خطری که بقای او را تهدید میکند ناشی از نارضایتی عمومی و بویژه جوانان ایران است. آنان بخوبی آگاهند که از شرایط اجتماعی-اقتصادی و سیاسی کنونی حاکم جمعیت عظیم جوان رو به رشد ایران ساعت به ساعت و روز به روز نا آرامتر میشوند. برای آنکه جامعه جهانی از رویا روئی با تنها دو امکان و انتخاب بد: جمهوری اسلامی اتمی یا بکارگیری قوای نظامی مواجه نشود، زمان آن فرا رسیده است که غرب يك سیاست روشن و مداوم حمایت از جنبش دموکراسی در ایران را تدوین کرده و تا آزادی ایران دنبال نماید.

به امید ایران آزاد